

منزلت مادر

مادر موجود پر از عذوفت و مهربانی، هدیه خداوندی است که او را بر روی زمین برای محبت، ایثار، فداکاری، حوصله و شکیبایی اعطا کرده است. در هر فرهنگ و کلتور، مادر جایگاه و منزلت ارجمندی دارد. مادر است که در خلقت و بقای نسل رول اساسی داشته و رابطه اش با جهان و عالم هستی برقرار است. ثبات، پاکدامنی، فروتنی، عشق و محبت، وفاداری به اولادش از خصایل مادر است.

مادر شایستگی ها، انسانیت ها، احساس و عواطف، گذشت و فداکاری و ایثار را در ضمیر خود دارد و آگاهانه به آن برخورد میکند. مادر، مسئولیت پرورش و تربیت اولاد را بدوش دارد و برای خانواده نظم و دسپلین میدهد. مادر، برای گرمی کانون خانواده از صبر و شکیبایی، گذشت و فداکاری کارگرفته، فضای پر از عشق، محبت، الفت و آرامش را فراهم میکند.

مادر با تمام توانائی های خود می کوشد تا نظام خانواده از هم نپاشد و دچار شکست و از هم پاشی و لغزش نگردد. مادر، در مقابل بسیار بی عدالتی ها و خشونت ها و ناهنجاری ها سکوت میکند و سر و صدا بر پا نمی سازد. همیشه مشکلات را با درد و الم به تنهایی متقبل میشود و باز هم تلاش برای زندگی فرزند و اولادش را دوام میدهد. و حتی نمیخواهد شکست و ناتوانی خود را در مقابل اولادش نشان داده ضعف خود را جلوه گرسازد.

عشق و محبت مادر به اولادش حد و سرحدی ندارد. او به اولادش عاطفه و محبت داده این عاطفه و محبت خداوندی سراپای وجودش را فرا گرفته است و برای او نابسامانی، مظالم، تهدید، اندوه و شکنجه مفهوم و معنی ندارد. او فقط به اولادش فکر میکند و تمام سعادت و خوشبختی خود را در سیمای اولادش می بیند. نمیخواهد شخص دیگری غم و اندوه درونی اش را احساس کند.

مادر، در مقابل خشونت ها و تهدیدها فقط آنچه را همواره میخواهد داشته باشد، تحمل و شکیبایی است. و تا آخرین حد توان به اولادش عشق میورزد و نمیخواهد رنج، شکنجه و درد را اولادش احساس کند.

طفل که هنوز از ماحول خود آگاهی ندارد و از محیط و عشق و محبت چیزی نمیداند، به مادرش از آوان تولد محبت میکند و عشق می ورزد، او از دامن مادر محبت و عذوفت را می آموزد.

مادر، با کوچکترین درد و مریضی اولاد آرام و قرار خود را از دست میدهد و فقط آرامش خود را در سلامت و سعادت و صحت اولادش جستجو میکند.

مادر، اساسی ترین روش تعلیم و تربیت فرزندان را به عهده میگیرد و به اولادش درس ایمانداری، صداقت، مین دوستی و وطن پرستی، خدمت گزاری و ایثار را می آموزاند.

مادر، از روز تشکل طفل در بطنش متوجه نشو و نما، صحت و سلامتی فرزندش میباشد. از آوان کودکی و طفولیت تا مراحل نشو و نما، جوانی و پختگی مثل سایه متوجه رفتار و کردار او میباشد و برای بهبودی او میکوشد. مادر، صحت و سلامت و نظافت را رکن اساسی وجدی حیات اولادش دانسته، در حفظ نظافت خانه و منزل و محیط زیست او را همواره رهنمائی میکند و از این طریق در پرورش شخصیت فرزندش و سلامتی روحی و جسمی وی کوشا می باشد.

موازی با آن مادر، در این آوان متوجه تربیت عاطفی و انسانی اولادش نیز بوده، احساس ترحم، دلسوزی، محبت، درد، الم، رنج و اندوه، ایثار و فداکاری، حب وطن، احساس همدردی و کمک به هم نوع خود را به اطفال خود می آموزاند.

مادران خود بهترین نمونه برای فداکاری، محبت، احترام به کانون خانواده هستند. مادران در نگهداری حقوق والدین، همسایگان، دوستان و اقارب در جامعه ایکه زیست دارند ب خوبی ارتباط نیک و احترام متقابل را حفظ میکنند.

رفتار محبت آمیز و نوازش روح آفرین مادر در مغز و روح طفل جاگزين میشود. لذت بخش ترین خاطرات اطفال محبت ها و نوازش های مادر است که در لوح سینه شان نقش می بندد و فراموش خاطر شان نگردیده قصه های می آفرینند.

مادر همه مظالم، بی عدالتی ها و نا برابری ها را بر خود می قبولاند ولی نمی گذارد اولادش احساس کمبود نمود و رشد جسمی و تربیت بدنی و نموی روحی و فکری کودکش صدمه ببیند.

تدبیر منزل نیز به مادر تعلق میگیرد: تهیه غذا، نظافت منزل، ترتیب نمودن وسایل خانه، اقتصاد خانواده خرج و دخل وغیره. پس مادر در پهلوی دیگر وظایفش که با وجه خستگی ناپذیر و رویه پر از عاطفه و مهربانی، انجام میدهد، معتمد خوب بوده و در هر بخش زندگی نقش بارز خود را با کمال صداقت به پیش می برد.

پس می باید که کرامت و شخصیت مادر حفظ و احترام شود، چون او یک مادر است، یک زن است و یک خواهر است. نابرابری های اجتماعی، خشونت ها و زن ستیزی ها نباید موقف او را متزلزل و بی ارزش سازد. هرگاه از "زن" و از موقف و مقام زن صحبت به عمل می آید، فوراً تصویر یک مادر در مقابل پرده چشمان ما ترسیم میشود. ترسیم یک زن که او مادر است و مسئولیت یک کانون خانواده کوچک را اساس گذاشته که در ساختمان خود با همه مسایل روز مثل مسایل فرهنگی، اجتماعی و عاطفی برخورد میکند و هر لحظه با آن روبرو است. این کانون چگونه باید اداره شود؟ مسئول آن چه کسی است؟ نقش و رول کی برارنده است؟ پدر یا مادر یا هر دو؟ کی میتواند وقت زیاد تر را با اولادها قربانی کند؟ کی میتواند نظر و ایده خود را در این کانون کوچک خانوادگی نفوذ دهد؟ و... و... پس همانطور که رول مادر در تربیت اولادها و سر و سامان گرفتن خانواده شرط است، همانگونه کسب دانش و علم برای زن نیز ضروری بوده پدر و مادر را توانائی می بخشد تا فرزندان سالم و صالح و وطن دوستی پرورش داده به جامعه تقدیم کند. زن باید مانند مرد از دانش و سواد کافی بهره مند شود تا در پیشبرد وظایف و مسئولیت های اجتماعی سهم مساوی با مرد گرفته بتواند. تا زمانیکه به زن حق آموختن سواد و کسب دانش داده نشود، سخن گفتن از تساوی حقوق زنان با مردان فقط در حد یک شعار خواهد ماند.

زن مانند مرد در عقاید و احکام دینی استوار بوده و آنرا به نگاه احترام می بیند. مادران و زنان افغانستان عزیز در طول تاریخ وظایف و وجایب شانرا در هنگام دفاع از میهن، نبرد استقلال، دیموکراسی بخوبی انجام داده اند. نقش شان در تعلیم و تربیت مسایل کلتوری و اجتماعی، سیاست، اقتصاد و طبابت همیشه موثر بوده و بطرز حسنه و شایسته و روش معقول با اندیشه و تفکر درست، بدون تبعیض و خشونت انجام وظیفه نموده و صادقانه گام نهاده اند. زنان آگاه برخوردار از استعدادها، به ارزشهای ملی، استقلال، آزادی بیان، رشد فکری، رشد مدنی، خوب میدانند و آرزو دارند در فضای صلح و امنیت و آرامش، دیموکراسی و احترام به شخصیت زن و درک مسئولیت و حقوق حقه خود زندگی نمایند.

پایان